

مجلس<sup>۱</sup> در تالار بزرگ عمارت بهارستان بود و وکلا بطور حلقه دور تالار نشستند و علما و تماشاچیان هم همینطور. هر کس داخل محوطه می شد با کالسکه و درشکه وارد باغ شده تا مدخل عمارت می آمد. در ساعاتی که مجلس دائر بود، مرتباً صدای رفت و آمد کالسکه و درشکه و شیهه اسب و سرو صدای وکلا بود و محوطه تالار را متعفن می کرد. از اینها همه گذشته تبدیل شدن محوطه مدخل تالار پارلمان به سر طویله همگانی اهانتی مسلم و آشکار به ساحت مجلس شورای ملی و وکلا و برگزیدگان ملت بود. .... دستور دادم که بعد از این از دخول درشکه و کالسکه و اسب و قاطر بدون ملاحظه کسی که سوار است مطلقاً جلوگیری نمایند و هیچکس مأذون نیست که سواره داخل محوطه بهارستان بشود.

از همین اولین تصمیم من حجج اسلام بی اندازه متغیر شدند و اصرار کردند که ایشان را از شمول این دستور استثناء کنم .... به آقایان علما عرض کردم سرو صدای درشکه و کالسکه و اسب و قاطر و مهتر و گرد و خاک و بوی کثافت آنها مانع و مزاحم کار مجلس است.....

دومین مشکل کیفیات ورود آقایان علماء اعلام به جلسه مجلس بود با این توضیح که هنگام ورود حضرات به جلسه به عنوان احترام جمیع وکلاء و تماشاچیان از جای بر می خواستند و غالباً هم یکی از هوچی های محلات و انجمن گردان ها از میان تماشاچیان و کنار مجلس صلوات می فرستاد و حاضرین به او تاسی می کردند. این صحنه هر روز در حین انعقاد و رسمیت مجلس و در وقتی که یکی از وزراء یا وکلاء مشغول سخن گفتن و مجلس سرگرم قانونگذاری بود چندین بار تکرار می شد و آقایان علماء که متأسفانه هیچ فرصتی را برای خودنمایی و تظاهر از دست نمی دادند تعمداً وقتی به مجلس می آمدند که جلسه رسمی تشکیل شده باشد و حتی اگر قبل از وقت در مجلس بودند، خود را در خارج از جلسه سرگرم می کردند تا جلسه رسمیت پیدا کند.....

---

<sup>۱</sup> منظور اولین مجلس شورای ملی بعد از مشروطیت است

.....

برگرفته از «خاطرات احتشام السلطنه»<sup>۲</sup>  
به کوشش محمد مهدی موسوی، انتشارات زوآر، ۱۳۹۲ .

---

<sup>۲</sup> از رجال دوران ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه